

لرزه‌ای در ارکان خلافت عربی، که بر عهد و شمشیر سلاطین ترک تکیه کرده بود، افتاد. اگرچه در سده‌های چهارم و پنجم هجری، خلافت عربی مشروعیت خود را از اسلام قشری اهل سنت و جماعت می‌گرفت، اما بغداد فرهنگی از بسیاری جهات ایرانی بود و اوضاع پریشان قلمرو خلافت جز با نظم اندیشه ایرانی سامان نمی‌گرفت. در میان پرده ایرانی زمینه وحدت سرزمینی فراهم آمد و شالوده استقلال و آگاهی «ملّی» ایرانیان نیز استوار شد، اما دولت خاندان‌های فرمانروای ایرانی که دوام عصر زرین فرهنگ ایران به آنان نیاز داشت، مستجعل بود و با برآمدن غزنویان و سلجوقیان هزاره‌ای در تاریخ ایران آغاز شد که از ویژگی‌های مهم آن زوال اندیشه و انحطاط تاریخی بود.

در این سده‌های طولانی که تا آماده شدن مقدمات جنبش مشروطه‌خواهی ادامه پیدا کرد، شوکران تباهی در همه نهادهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران زمین رسوخ کرد؛ اگرچه آگاهی «ملّی» ایرانیان، مانند بسیاری از سرزمین‌هایی که به قلمرو امپراتوری اسلامی پیوسته بودند، یکسره برباد نرفت، اما با استقرار سلطنت ترکان در بخش‌هایی از ایران تنش‌های جدی میان آداب ایرانی که، به طور عمده، وزیران نمایندگان آن بودند، و ادب سلاطین ایجاد شد و با پیوندهایی که، در آغاز، میان اسلام قشری اهل سنت و جماعت و نظریه خلافت ایجاد شد، و از آن پس نیز با سلجوقیان و مغولان، اسلام ترکی-مغولی استقلال پیدا کرد، بسیاری از نموده‌های اندیشه ایرانی شهری از میان رفت. تا زمانی که شیخ شهاب‌الدین سهروردی، در نیمه دوم سده ششم، غلم احیای حکمت خسروانی را برافراشت، هنوز آن «آتش نهفته در سینه» برخی از واپسین نمایندگان اندیشه ایرانی شهری و در بخش‌هایی از سرزمین‌های ایرانی روشن بود، اما با پایان عصر زرین فرهنگ ایران، اندیشه ایرانی، به تدریج، انسجام خود را از دست داد، شالوده آگاهی «ملّی» دوره حماسی ادب ایران سستی گرفت و از ایرانیان، در آمیزش با ترکان و تازیان، نژادی پدید آمد که سراینده حماسه «ملّی» پیشتر به برخی نشانه‌ها و نیز ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی آن اشاره کرده بود. جای شگفتی است که اشاره‌های فردوسی به نشانه‌های پدیدار شدن این نژاد

جدید از محدوده ادب فارسی فراتر نرفت و با پایان یافتن عصر زرین فرهنگ ایران حتی در قلمرو ادب فارسی نیز بسطی نیافت. وجه غالب فعالیت ذهنی ایرانیان، در اوضاع و احوالی که سخت‌گیری و تعصب یگانه اصل آیین فرمانروایی سلاطین به شمار می‌آمد، ادب فارسی و از آن پس تبدیل شدن عرفان به یگانه صورت اندیشیدن بود. با گذشت زمان و با ضربه‌ای که شریعتمدارانی هم‌چون غزالی بر فلسفه به عنوان مهم‌ترین فعالیت خردگرایی در دوره اسلامی وارد آوردند، فلسفه اعتبار خود را از دست داد. بدین سان، چنان‌که از سید حیدر آملی آوردیم، «تصوف، حقیقت تشیع» تلقی شد و به گفته رضا داوری، «صوفیان به متفکران قوم» تبدیل شدند. این جانشین شدن متفکران با صوفیان و فلسفه با تصوف را، بر حسب عادت و با توجه به این‌که هنوز میل به نوعی تصوف، سکه رایج زمان است، با نوعی تأیید ضمنی بیان کرده‌اند، اما از دیدگاه تحول آتی ایران، زوال اندیشه و انحطاط تاریخی این سرزمین، باید آن را یکی از دامنه‌دارترین دگرگونی‌های تاریخ فرهنگ این کشور به شمار آورد. با سیطره اندیشه عرفانی، عمده فعالیت خردگرایی که تداوم آن می‌توانست شالوده طرح پرسش از انحطاط تاریخی و با آغاز دوران جدید در تاریخ اروپا، با صوفیان در ایران، زمینه تدوین نظام فکری تجدد را فراهم آورد، تعطیل شد و با پیوندی که تصوف با تفسیر قشری دین و ترکیب این دو در دوره صوفیان با سیاست پیدا کرد، زمینه نوزایش ایرانی را به شوره‌زاری تبدیل کرد که جز خار مفیلان از آن برنمی‌آمد. مسئله اصلی تحول فرهنگی دوره اسلامی، از سده سوم تا نیمه نخست سده پنجم، مشکل ترجیح تفسیر شرعی یا دریافت عقلی و فلسفی آن بود؛ از فارابی تا ابن سینا، با بسط فلسفه یونانی در دوره اسلامی ایران، راه دریافت عقلی و فلسفی هموار شد، اما با تحولی که در سده‌های آتی، از تعقل به تصوف صورت گرفت و خلطی که بویژه میان تصوف و حکمت اشراق، از سویی، و میان ترکیب این دو با مکتب مشایی که یگانه جریان خردگرایی بود، به وجود آمد، مکتب ابن سینا اصالت و استقلال خود را از دست داد و تفسیر باطنی شریعت و، در سده‌های متأخر، تفسیر ظاهری شریعت، بر دریافت عقلی آن چیره

شد. بدین سان، از دیدگاه تاریخ اندیشه، به دنبال این روند که ما از آن به زوال اندیشه تعبیر می‌کنیم، زمینه نظری انحطاط تاریخی ایران آماده شد، اما میراث فرهنگی ایران سخت‌جان‌تر از آن بود که زوال اندیشه - در معنای محدود آن - واپسین سخن ایرانیان باشد؛ با پایان عصر زرین فرهنگ ایران، اندیشه ایرانی شهری در صورتی نو و در ادب فارسی پدیدار شد. بدیهی است که درباره ادب فارسی سخن بسیار گفته‌اند، اما به نظر نمی‌رسد که ادب فارسی از دیدگاه تاریخ اندیشه و بویژه از دیدگاه زوال اندیشه و انحطاط تاریخی ایران زمین مورد بررسی قرار گرفته باشد. این پدیدار شدن صورت نویی از اندیشه ایرانی شهری در ادب فارسی و انحطاط ادب فارسی در سده‌های متأخر رویدادی مهم در تاریخ و تاریخ اندیشه در ایران است که در این صفحات پایانی تنها به وجهی از آن اشاره‌ای اجمالی می‌کنیم.

اگرچه شعر فارسی با نخستین پارسی‌گویان و از آن پس، در سده‌های شکوفایی ادب ایران، یعنی از نخستین شاعران بزرگ از رودکی تا فردوسی و خیام و از سرایتندگان نامداری چون سعدی، جلال‌الدین رومی و حافظ تا جامی، که واپسین شاعر مهم دوره قدیم و سر آغاز انحطاط ادبی ایران بود، بر تأملی فلسفی تکیه داشت، اما با زوال تدریجی اندیشه فلسفی در ایران، شعر نیز به عنوان استوارترین پشتوانه وحدت «ملّی» و تداوم ایران زمین، دچار انحطاط شد. از دیدگاه تأمل فلسفی و خردگرایی در تقدیر تاریخی ایران، در عصر زرین فرهنگ ایران، همزمان با نخستین دوره شعر فارسی، یک شاعر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. فردوسی طوسی، سراینده حماسه «ملّی» را که تجدیدکننده جاویدان خرد ایرانی شهری در ادب فارسی بود و با زبان شیوا و بیان خلاق، پلی میان دوره باستانی و دوره اسلامی ایران پی افکند، باید شاعر دوره تولد دوباره ایران زمین یا به دیگر سخن، شاعر وحدت و تداوم تاریخی به شمار آورد. هم‌او به چنان تأملی فلسفی در تقدیر ایران زمین پرداخته است که حماسه «ملّی» او را می‌توان چونان جانشین تأملی فلسفی در تقدیر تاریخی ایران تلقی کرد. با چیرگی ترکان بر ایران زمین و سیطره قشریت، از سویی، و اندیشه عرفانی، از

سوی دیگر، دوره حماسی به پایان رسید و روح آن از میان رفت و بدین سان، خردنامه فردوسی نیز اگرچه خوانده شد، اما به عنوان داستان شاهان و بیشتر از آن، از دیدگاه سلطنت واقعاً موجود در دوره اسلامی فهمیده شد. تأمل در تقدیر تاریخی ایران زمین که به دنبال چیرگی ترکان و قشریت دینی و پس از قتل شهاب‌الدین سهروردی نه در قلمرو اندیشه فلسفی امکان داشت و نه در گستره شعر حماسی فارسی، در قلمرو دیگری از تجلیات روحی ایرانیان ظاهر شد. درباره اقدام سهروردی در «تجدید حکمت خسروانی» و بازگشت به اندیشه ایرانی شهری فرزندگان دوره باستان، به اجمال، باید اشاره کنیم که حکمت اشراق او، از دیدگاه تکوین آگاهی «ملّی» ایرانیان در دوره اسلامی، حلقه واسط میان حماسه فردوسی و شعر حافظ بود و چنانکه هانری کربن بر پایه تفسیر فلسفی خود از حکمت اشراق و بویژه رساله‌های تمثیلی شیخ مقتول توضیح داده است، باید این تجدید حکمت خسروانی را به عنوان گذار از حماسه «ملّی» تاریخی ایرانیان به «حماسه معنوی» فهمید. سهروردی آگاهی «ملّی» ایرانیان را از مکان تاریخ حماسی به لامکان عالم مثال حکمت اشراق انتقال داد و بدین سان، پایان دوره‌ای از آگاهی «ملّی» ایرانیان را اعلام کرد. سهروردی، با تجدید حکمت خسروانی و تبدیل مکان آگاهی «ملّی» تاریخی به لامکان عالم خیال، از سویی، به گونه‌ای که حافظ از آن پس خواهد گفت، آن را «به خرابات حوالت کرد»<sup>۱</sup> تا «بر جریده عالم ثبت» کند،<sup>۲</sup> اما، از سوی دیگر، از زمانی که با حکمت اشراق سهروردی آگاهی «ملّی» تاریخی به لامکان عالم مثال انتقال پیدا کرد، دوره‌ای در ادب فارسی، در تاریخ‌نویسی و فلسفه در ایران به سر آمد. جای شگفتی نیست که با قتل سهروردی فلسفه مشایی اهمیت خود را از دست داد و شارحان بویژه شارحانی که برای جمع حکمت اشراق و فلسفه مشایی کوشش می‌کردند - جای فیلسوفان را گرفتند؛ در ادب فارسی شعر عارفانه جانشین ادب حماسی شد و

۱. دیوان، ۲۴/۴ فقراتی که از غزل‌های حافظ در این صفحات می‌آوریم، مطابق با دیوان اوست که به کوشش پرویز ناتل خانلری منتشر شده است. در این ارجاعات، عدد سمت چپ شماره غزل و عدد سمت راست شماره بیت است. در صورتی که تنها یک شماره ذکر شده باشد، ارجاع به همه غزلی است که ذیل همان شماره در تصحیح یادشده آمده است.

۲. دیوان، ۱۱/۳.

واپسین شعله‌های تاریخ‌نویسی نیز در تندباد یورش مغولان خاموش شد. دوره دوم ادب فارسی که با مرگ فردوسی آغاز شد، و با جامی به پایان رسید، سده‌های سیطره تدریجی عرفان بر ادب فارسی بود که همزمان با یورش مغولان به کمال رسید. در این دوره نیز از دیدگاه تأمل فلسفی در تقدیر تاریخی ایران‌زمین تنها یک شاعر به مقامی بلند دست یافت. حافظ شیرازی، در واقع، شاعری بود که پیش از آن‌که شعر قدیم فارسی در سرایش انحطاط بیفتد، ادب فارسی را با دریافتی از اندیشه ایرانی‌شهری درآمیخت و آن را به تأملی در وجودی از انحطاط ایران در دوره اسلامی تبدیل کرد. نویسندگان تاریخ ادبیات ایران و مفسران دیوان حافظ درباره سرشت درون‌مایه شعر این شاعر سخنان بسیاری گفته و از آن‌جا که در این دوره از تاریخ ایران، صوفیان به متفکران قوم تبدیل شده بودند، حافظ را در شمار شاعران عارف آورده‌اند. تردیدی نیست که زبان شعری حافظ، زبان ادب عارفانه است، اما کاربرد زبان ادب عارفانه، در دوره‌ای که تفکر در زاویه‌های صوفیان پناهگاهی امن یافته بود، خلاف‌آمد عادت نبود، بلکه، بر عکس، اهمیت حافظ در این است که ظاهر ادب عرفانی را با باطن تأملی در تقدیر ایران‌زمین جمع کرده است. مناقشه‌های بسیار بر سر درون‌مایه شعر حافظ و این‌که او تنها شاعری است که - مانند فردوسی، اما در صورتی متفاوت - در تاریخ ایران، در میان ایرانیان، اجماعی درباره اهمیت و مقام او به وجود آمده، مبین این است که درون‌مایه شعر حافظ را نمی‌توان به صرف عرفانیات فروکاست. او، مانند بسیاری از شاعران پرآوازه ایرانی، به زبانی سخن می‌گوید که زبان عرفانی است، اما مضمون دیگری جز عرفان را در این زبان بیان می‌کند. شاید معنای «لسان‌الغیب» بودن حافظ نیز همین بوده است.

حافظ مانند بسیاری از شاعران طراز اول دوره‌ای که صوفیان به متفکران قوم تبدیل شده بودند، به زبان ادب عارفانه سخن می‌گفت، اما، به خلاف همه شاعران این دوره، شاعر عرفانی نبود، بلکه او «لسان‌غیب» وضعی از تاریخ ایران بود که «زبان و خط ایغوری را فضل تمام» می‌شناختند و در نظام یاسای چنگیزی «هر مزدوری، دستوری و هر مزوری، وزیری»، «هر شیطانی، نایب

دیوانی و هر کونی خری، سر صدری» شده بود. پیشتر، این توصیف‌ها را از تاریخ جهانگشای جوینی آورده‌ایم؛ این آگاهی از وضع ایران همزمان با یورش مغولان پیدا شده بود، اما جالب توجه است که اشاره‌های حافظ در دیوان خود به این توصیف‌ها با تبیینی شاعرانه، فلسفی همراه است. حافظ، در واقع، زبان «غیب» دوره‌ای از تاریخ ایران بود که وجدان نگون‌بخت ایرانیان، به دنبال زوال اندیشه در ایران، اندیشمندی پیدا نمی‌کرد، اما «آن آتشی که هرگز نمی‌میرد، در دل» برخی نمایندگان فرهنگ ایرانی زنده بود. «جاویدان خرد» مسکویه رازی، «حکمت خسروانی» شهاب‌الدین سهروردی و «آتش نهفته در سینه»<sup>۱</sup> حافظ هم‌چون رمزی از همان غیبی است که حافظ را باید واپسین «اندیشمند» آن در ادب فارسی به شمار آورد. با تعمیم این ارزیابی، که در سده‌های متأخر دوره اسلامی صوفیان به متفکران قوم تبدیل شدند، به تاریخ ایران، می‌توان گفت که در واقع، با پایان عصر زرین فرهنگ ایران، عرفان جانشین فلسفه شد و با زوال اندیشه، نظریه پردازی درباره تاریخ ایران ممکن نشد. تأکید ما در فصل‌های این دفتر بر این‌که تعادل میان شرع و عقل می‌بایست با توجه به مبنای عقل فهمیده می‌شد، به معنای این بود که در مورد ایران، در دوره اسلامی تنش‌هایی میان عناصری از فرهنگ و تمدن ایران - تنش میان شرع و عقل، تنش میان آگاهی «ملی» و ادعاهای امت‌مدار خلافت - ایجاد شد، وضعی که با وام گرفتن از مفهومی که مگال در توضیح شکاف میان دین و دنیای مؤمن مسیحی سده‌های میانه، در پدیدارشناسی روح، به کار گرفته است، می‌توان آن را وجدان نگون‌بخت ایرانی در دوره اسلامی و بویژه در سده‌های میانه متأخر اسلامی توصیف کرد.

پیشتر، به برخی از این تنش‌ها اشاره کرده‌ایم. شکاف میان عمل و نظر، را که به گونه‌ای از سخن خواجه نصیر در اخلاق ناصری آوردیم، یکی از عمده‌ترین این پی‌آمدها بود. در سده‌های پس از مرگ خواجه به دو اشاره بامعنا درباره شکاف میان نظر و عمل بر می‌خوریم: جلال‌الدین دوانی این شکاف را از دیدگاه تأکید بر مبنای شرع مورد بحث قرار داد و از این‌رو، پایان حکمت عملی عقلی را اعلام

کرد. نظام فکری دوانی را از این حیث اوج زوال اندیشه در ایران می‌دانیم که او، بی آنکه توان طرح پرسش از تنش‌ها بر مبنای بحث عقلی را داشته باشد، با تأکید بر اصالت و استقلال مبنای شرع، کوشش کرد به طور کلی از طرح پرسش اعراض کند. بر عکس، در شرایطی که با مرگ خواجه نصیر طرح چنین پرسشی غیر ممکن شده بود، در نیمه‌راه دو سده میان مرگ خواجه تا مرگ دوانی، شعر حافظ به مکان طرح پرسش از شرایط وجدان نگون‌بخت ایرانی تبدیل شد و، با حافظ، آگاهی «ملّی» از مکان اندیشه خردگرایی، قلمرو حماسه «ملّی» و لامکان عالم مثال حماسه معنوی به اقلیم ادب فارسی انتقال پیدا کرد. در دوره نخست، در عصر زرین فرهنگ ایران، که مبنای عقل عامل تعادل میان عناصر فرهنگ ایران بود، به عنوان مثال، در آغاز سده پنجم هجری، شعر فردوسی، فلسفه اخلاق مسکویه رازی، فلسفه ابن سینا و تاریخ‌نویسی مسکویه و بیهقی، به یکسان، مکان آگاهی «ملّی» ایرانیان بود. نویسندگانی که این دوره را «نوزایش اسلامی»، «میان‌پرده ایرانی» و «عصر زرین فرهنگ ایران» خوانده‌اند، نظر به این هماهنگی عناصر و نمودهای فرهنگی داشته‌اند و، در واقع، در این دوره، خردی یگانه هم‌چون روحی در کالبد و جوه گوناگون فعالیت‌های فکری ایرانیان دمیده شده بود. بدین سان، طرح پرسش از وجدان نگون‌بخت ایرانی در دوره اسلامی، که با یورش مغولان در قلمرو بحث خردگرایی و در دستگامی از مفاهیم فلسفی غیر ممکن شده بود، با حافظ در اقلیم ادب فارسی امکان‌پذیر شد. این‌که گفتیم حافظ نه اهل عرفان، بلکه «لسان‌غیب» وجدان نگون‌بخت ایرانی بود، به عنوان مثال، در مقایسه‌ای با سعدی، که شاید از دیدگاه ادبی و اسلوب‌های رایج شعری برتری‌هایی نیز بر حافظ داشته است، قابل توضیح است. حافظ، به رغم سعدی که طریقت او مبتنی بر شریعت قشری بود و، در نهایت، آن‌جا که پای اصول به میان می‌آمد، شعر و بیشتر از آن، نثر او شریعتمدارانه بود، مفرداتی از طریقت و زبان عارفانه را در شرایط «زمانه خونریز» و «ایام فتنه‌انگیز»<sup>۱</sup> و با توجه به «مزاج دهر»<sup>۲</sup> که «قَلَابِ شهر به صرّاف آن»<sup>۳</sup> تبدیل شده بود، به گفته خود او، از دیدگاه

«قلب‌شناسی»<sup>۱</sup> تفسیر می‌کند و از آن‌جا که خود او، به مقتضای زمان، «در محفلی حافظ، و دُردی‌کش مجلس دیگری» بود و با «خلق صنعت شوخی» می‌کرد،<sup>۲</sup> در شعر او می‌توان مفرداتی از نوعی پدیدارشناسی وجدان‌نگون‌بخت ایرانی را سراغ گرفت.

در دیوان حافظ به یکی از مهم‌ترین پی‌آمدهای وضعی که با یورش مغولان و تبدیل شدن صوفیان به متفکران قوم در ایران ایجاد شد، اشاره‌های پرمعنایی آمده است، اما دریافت حافظ، به عنوان «بدنام جهان»،<sup>۳</sup> به خلاف تلقی کنونی ما از صوفیان، ناظر بر توصیفی از زمانه «صوفی دجال کیش ملحدشکل»<sup>۴</sup> برای تبیین پی‌آمدهای آن است. حافظ، به فراست، دریافتی بود که دوره‌ای در تاریخ ایران آغاز شده است که او در یکی از غزل‌ها آن را «زمانه‌ای عجیب» خوانده است، زمانه‌ای که «مزاج دهر تبه» شده بود و عجب نبود که «فکر حکیمی و رای برهمنی» در افق پدیدار نمی‌شد.<sup>۵</sup> صوفیان، در غیاب «فکر حکیم و رای برهمن»، با داعیه نسخ عقل، به متفکران قوم تبدیل شدند تا دفتر عقل را به آب پارسایی بشویند، اما در چنان «صعب روزی ... و پریشان عالمی»،<sup>۶</sup> هیچ سجاده تقوایی وجود نداشت که «به ساغری بیرزد».<sup>۷</sup> حافظ از این حیث توانست به مفرداتی از پدیدارشناسی وجدان‌نگون‌بخت ایرانی را در شعر خود بیاورد که به خلاف اهل نظر «تربس محتسب خورده» و «نادرویشان خرقه‌پوش»<sup>۸</sup> که «به شعبده دستی بر می‌آوردند»،<sup>۹</sup> به پیروی از اندرز سلیمان، حتی آن‌گاه که باد بر مراد می‌وزید، «به

۱. دیوان، ۲۰۵/۸.

۲. دیوان، ۲۴۴/۳.

۳. دیوان، ۳۳۳/۲.

۴. دیوان، ۲۳۷/۶.

۵. دیوان، ۴۶۸/۵۹. برخی از مهم‌ترین بیت‌های آن غزل به قرار زیر است.

بسبب در آینه جام نفس‌بندی غیب / که کس نه باد ندارد چنین عجب رسمی  
ز تند باد حوادث نمی‌توان دیدن / در این چمن که گلی بوده است با سمنی  
از این سموم که بر طرف بوستان بگذشت / عجب که بوی گلی هست و رنگ با سمنی  
مزاج دهر نه شد درین بلا حافظ / کجاست فکر حکیمی و رای برهمنی

۶. دیوان، ۴۶۱/۴ «صعب روزی، برالعجب کاری، پریشان عالمی»

۷. دیوان، ۱۴۷/۲.

۸. به کوی می‌فروشانش به حامی بر نمی‌گیرند

۹. زهی سجاده نفوی که یک ساغر نمی‌آورد

۹. دیوان، ۳۶۵/۶.

۱. دیوان، ۳۳۳/۵.



باد گره نمی زد»<sup>۱</sup>، از «سالوس و طبل زیر گلیم»<sup>۲</sup> و از صوفیان «ازرق لباس و دل سیه»<sup>۳</sup> بیزار بود، اما اگرچه «بوی خیر از این اوضاع شنیده» نمی شد،<sup>۴</sup> «به زیر دلق مَلَمَعِ کمندها»<sup>۵</sup> بود و معلوم بود که «در خرقه بیش از آن منافق نتوان بود»<sup>۶</sup> ولی، به هر حال، حافظ شاعر این زمانه بود، به «دردی کشان یکرنگ» پناه می برد، «بر در میخانه علمی بر می کنند» و «خرقه به می شتشو می کرد». «لسان غیب» حافظ واپسین تأمل در تقدیر تاریخی ایران و وجدان نگون بخت ایرانیان بود. با صوفیان، به عنوان متفکران قوم، واپسین صورت اندیشیدن ایرانی به سرزمین هایی از اقلیم ادب فارسی رخت بر بست که به دنبال زوال اندیشه تاکنون نامکشوف مانده است. از این رو، بحث در زوال اندیشه ایران و کوشش برای ایضاح منطق آن یگانه راهی است که به گستره نوزایش - شاید، بتوان گفت، نوزایش دوم - ایران خواهد انجامید و از خلاف آمد عادت، این راه از سرزمین های ناشناخته ای می گذرد که این دفتر جز در آمدی موقتی بر آن نیست.

۲. دیوان، ۴۶۲/۵

۳. دیوان، ۳۹۵/۲

۱. دیوان، ۸۸/۲ «گره به باد نزن گرچه بر مراد ورد».

۴. دیوان، ۲۸۷/۳

۳. دیوان، ۱۹۶/۱

۶. دیوان، ۳۶۴/۵



## کتاب‌شناسی

### ۱. نوشته‌های فارسی و عربی

- ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، به کوشش کارل تورنبرگ، لیدن، بریل ۱۸۶۴.
- ابوالفرج ابن جوزی، تلیس ابلیس، ترجمه علی رضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۸.
- عبدالرحمن ابن خلدون، التعریف، به کوشش محمد بن تاویت الطنجی، قاهره، لجنة التألیف و الترجمة و النشر ۱۳۷۰ هـ ق.
- عبدالرحمن ابن خلدون، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۳۶، ۲ جلد.
- ابن القفطی، تاریخ الحکماء، ترجمه فارسی، به کوشش بنیمن دارایی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۱.
- ابوعلی حسین ابن سینا، سبع رسائل، مصر، مطبعة عندیة بالموسکی ۱۹۰۸.
- ابوعلی حسین ابن سینا، الشفاء، «الالهیات»، به کوشش الاب قنواتی و سعید زاید، قاهره ۱۹۶۴، ۲ جلد.
- محمد بن علی ابن طباطبا مشهور به ابن طقطقی، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۷.
- محمد بن اسحاق الندیم، مشهور به ابن ندیم، الفهرست، ترجمه محمد رضا تجدد، تهران، امیرکبیر ۱۳۶۶.
- احمد دینوری، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی ۱۳۶۴.
- احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۶.
- برتولد اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد قلاطوری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۹.
- و. و. بارتولد، خلیفه و سلطان، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، امیرکبیر ۱۳۵۸.
- کلیفورد باسورث، تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر ۱۳۵۶.
- آ. ی. برتلس، ناصر خسرو و اسماعیلیان، ترجمه یحیی آرین پور، تهران، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۶.
- ابو ریحان بیرونی، آثار الباقیه، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران، امیرکبیر ۱۳۶۳.

- ابوالحسن علی بیهقی، تمة صوان الحکمة، ترجمه فارسی با عنوان درة الاخبار و لمعة الانوار، تهران، انتشارات مجله مهر ۱۳۱۸.
- تاریخ عالم آرای صفوی، اثر مؤلف ناشناخته، به کوشش یدالله شکری، تهران، انتشارات اطلاعات ۱۳۶۳.
- ترجمه تاریخ یمینی، ابوالشرف ناصح جرفادقانی، به کوشش جعفر شعار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۳۷.
- عبدالرحمن جامی، نفحات الانس من حضرات القدس، به کوشش مهدی توحیدی پور، کتابفروشی محمودی ۱۳۳۶.
- رسول جعفریان، دین و سیاست در دوره صفوی، قم، انتشارات انصاریان ۱۳۷۰.
- عطاء ملک جوینی، تاریخ جهانگشای جوینی، به کوشش محمد قزوینی، لیدن، بریل ۱۹۱۱-۱۶، ۳ جلد.
- جهانگشای خاقان، اثر مؤلف ناشناخته، به کوشش الله دتا مضطر، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ۱۳۶۴.
- حیدر آملی، جامعه الاسرار، به کوشش هانری کربن و عثمان یحیی، تهران، انجمن ایران شناسی فرانسه ۱۳۴۶.
- فضل الله بن روزبهان خنجی، تاریخ عالم آرای امینی، به کوشش، تهران، نشر میراث مکتوب ۱۳۸۲.
- غیاث الدین بن همام الدین معروف به خواند میر، حیب السیر، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، خیام ۱۳۵۳.
- رضا داوری، مقام فلسفه تاریخ در دوره اسلامی، تهران، دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی ۱۳۵۶.
- رضا داوری، فلسفه مدنی فارابی، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر ۱۳۵۴.
- التون دنیل، تاریخ سیاسی و اجتماعی خراسان در زمان حکومت عباسیان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۷.
- جلال الدین دوانی، اخلاق جلالی، لکهنو ۱۳۰۸ هـ.ق.
- جلال الدین دوانی، «عرض سپاه اوزون حسن»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال سوم، شماره سوم، تهران ۱۳۳۵.
- محمد بن علی بن سلیمان راوندی، راحة الصدور و آية السرور، به کوشش محمد اقبال، لیدن، بریل ۱۹۲۱.
- رشیدالدین فضل الله همدانی، جامع التواریخ، «قسمت اسماعیلیان و فاطمیان و نزاریان و داعیان»، به کوشش محمد تقی دانش پژوه و محمد مدرسی

- زنجانى، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۶.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع‌التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، تهران، اقبال ۱۳۳۷، ۲ جلد.
- عبدالحسین زرین‌کوب، دو قرن سکوت، تهران، امیرکبیر ۱۳۳۶.
- عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ مردم ایران از ساسانیان تا پایان آل بویه، تهران، امیرکبیر ۱۳۶۷.
- شهاب‌الدین سهروردی، مجموعه مصنفات، به کوشش هانری کریب، تهران، انجمن فلسفه ایران ۱۳۵۵.
- راجر سیوردی، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز ۱۳۷۲.
- میان محمد شریف، تاریخ فلسفه در اسلام، ترجمه گروه مترجمان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۲.
- شمس‌الدین محمد بن محمود شهروزی، نزهة الارواح و روضة الفراح، ترجمه مقصود علی تبریزی، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و محمد سرور مولایی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۵.
- ابوالحسن صابی هلالی، رسوم دارالخلافه، ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۶.
- صدرالدین شیرازی، النواهد الربوبية، با حواشی مآلهادی سبزواری، به کوشش سید جلال‌الدین اشتیانی، مشهد، کتابفروشی باستان
- صدرالدین شیرازی، مبدأ و معاد، ترجمه احمد بن محمد اردکانی، به کوشش عبدالله نورانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۲.
- صدرالدین شیرازی، الواردات القلیة فی معرفة الربوبية، به کوشش و ترجمه احمد شفیعیها، تهران، انجمن فلسفه ایران ۱۳۵۸.
- صدرالدین شیرازی، کسر الاصنام الجاهلیة، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، دانشکده علوم معقول و منقول، ۱۳۴۰.
- صدرالدین شیرازی، سه اصل، به کوشش سید حسین نصر، تهران، دانشکده علوم معقول و منقول، ۱۳۴۰.
- صدرالدین شیرازی، فلسفه عالی، ترجمه الاستاذ الاربعة، ترجمه جواد مصلح، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۷.
- ذبیح‌الله صفاء، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۶.
- عبدالرزاق لامیجی، گزیده گوهر مراد، به کوشش صمد موحد، تهران، طهوری

۱۳۶۴.

عبدالرزاق لاهیجی، گوهر مراد، تبریز ۱۳۱۳ هـ.ق.  
ابوالحسن عامری نیشابوری، السعادة و الاسعاد فی سیرة الانسانية، به کوشش  
مجتبی مینوی، ویسبادن، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۶.

ابوالحسن عامری نیشابوری، الاعلام بمناقب الاسلام، به کوشش محمد  
عبدالمحید غراب، ترجمه احمد شریعتی و حسین منوچهری، تهران، مرکز  
نشر دانشگاهی ۱۳۶۷.

ابوالحسن عامری نیشابوری، رسائل ابوالحسن عامری، به کوشش محمد سبحان  
خلیفات، ترجمه مقدمه مهدی تدین، تهران، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۵.  
کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین، به کوشش محمد  
شفیع، لاهور، ۱۹۴۶.

ابوالقاسم حسن عنصری، دیوان، به کوشش یحیی قریب، تهران، ابن سینا ۱۳۴۱.  
امام محمد غزالی، فضایل الانام من رسائل حجة الاسلام، به کوشش عباس اقبال،  
ابن سینا ۱۳۳۳.

قاسم غنی، تاریخ تصوف در اسلام، تهران، زوار ۱۳۴۰.  
ابونصر فارابی، رسائل فارابی، حیدرآباد دکن ۱۹۲۶.  
ابونصر فارابی، احصاء العلوم، ترجمه حسین خدیو جم، تهران، شرکت انتشارات  
علمی و فرهنگ ۱۳۶۴.

ابونصر فارابی، کتاب الملة و نصوص أخرى، به کوشش محسن مهدی، بیروت،  
دارالمشرق ۱۹۶۸.

ابونصر فارابی، «السیاسة»، مجموع فی السیاسة، به کوشش عبدالمنعم احمد،  
اسکندریه، مؤسسه شباب الجامعة ۱۹۸۴.

ابونصر فارابی، فصول منتزعه، ترجمه و شرح حسن ملکشاهی، تهران، سروش  
۱۳۸۲.

ابونصر فارابی، الجمع بین رأی الحکیمین، به کوشش البیر نصری نادر، بیروت،  
دارالمشرق ۱۹۶۸.

محسن فانی، اخلاق عالم آراء، به کوشش خ. جاویدی، لاهور، مرکز تحقیقات  
فارسی ایران و پاکستان ۱۳۶۱.

محمد بن عمر فخر رازی، جامع العلوم، به کوشش محمد حسین تسبیحی، تهران،  
انتشارات اسدی ۱۳۴۶.

ریچارد فرای، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، سروش

۱۳۶۴.

فرخی سیستانی، دیوان، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، اقبال ۱۳۳۵.  
والتر فیشل، ابن خلدون و تیمور لنگ، ترجمه سعید نفیسی و نوشین دخت  
نفیسی، تهران، زوار بی تا.

قطب‌الدین رازی، درة الناج، به کوشش سید محمد مشکوة، تهران، انتشارات  
حکمت ۱۳۶۵.

قطب‌الدین رازی، درة الناج، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران، شرکت  
انتشارات علمی و فرهنگ ۱۳۶۹.

هانری کربن، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبایی، تهران، کویر ۱۳۷۳.  
هانری کربن، فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی، ترجمه جواد طباطبایی، تهران، توس  
۱۳۶۹.

جوئل کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه: انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی،  
ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۵.

جوئل کرمر، فلسفه در عصر رنسانس اسلامی: ابوسلیمان سجستانی و مجلس او،  
ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۹.

حسین کریمان، سیره و قیام زید بن علی بن علی، تهران، شرکت انتشارات علمی و  
فرهنگی ۱۳۶۴.

دیمتری گوتاس، تفکر یونانی، فرهنگ عربی: نهضت ترجمه کتاب‌های یونانی به  
عربی در بغداد و جامعه آغازین عباسی، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی،  
تهران، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۸۱.

سیر صادق گوهرین، حجة الحق ابوعلی سینا، تهران، توس ۱۳۵۶.  
ابوالحسن ماوردی، الاحکام السلطانية و الولايات الدینیه، قاهره، مکتبه مصطفی  
البابی ۱۳۹۳ هـ.ق.

آدام متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قواگزلو،  
تهران، امیرکبیر ۱۳۶۳.

مجموع فی السیاسة، به کوشش فؤاد عبدالعظیم احمد، اسکندریه، مؤسسه شباب  
الجامعة ۱۹۸۴.

مجموع التواریخ و القصص، به کوشش ملک الشعراء بهار، تهران، کلاله خاور ۱۳۰۹.  
محمد مدرس رضوی، احوال و آثار خواجه نصیر طوسی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران  
۱۳۵۴.

محمد مدرس زنجانی، سرگذشت و عفايد فلسفی خواجه نصیر طوسی، تهران،

- انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۵.
- منوچهر مرتضوی، مسائل عصر ایلخانان، تهران، انتشارات آگاه ۱۳۷۰.
- ابوالحسن مسعودی، مروج الذهب، به کوشش باریبه دو منار، پاریس، چاپخانه ملی ۱۹۱۴.
- ابوالحسن مسعودی، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۹۱۴.
- ابوالحسن مسعودی، التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگ ۱۳۶۵.
- ابوعلی مسکویه رازی، الحکمة الخالدة، به کوشش عبدالرحمن بدوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۸.
- ابوعلی مسکویه رازی، تجارب الامم، ج. نخست، ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران، انتشارات سروش ۱۳۶۹.
- ابوعلی مسکویه رازی، تجارب الامم، ج. پنجم و ششم، ترجمه علی تقی منزوی، تهران، توس ۱۳۷۶.
- ابوعلی مسکویه رازی، جاویدان خرد، ترجمه تقی الدین محمد شوشتری، به کوشش بهروز ثروتیان، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل ۱۳۵۸.
- ابوعلی مسکویه رازی، تهذیب الاخلاق، به کوشش قسطنطین زریق، بیروت، الجامعة الامیرکية ۱۳۵۸.
- ابوعلی مسکویه رازی، «ترتیب السعادات»، در هاشم رضی الدین طبرسی، مکارم الاخلاق، تهران ۱۳۱۴ ه.ق.
- ابوعلی مسکویه رازی، تجارب الامم، ترجمه محمد فضایی، تهران، انتشارات زرین ۱۳۶۶.
- تقی الدین علی مقریزی، کتاب المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، قاهره، بولاق ۱۸۵۳.
- مارتین مکدرموت، اندیشه های کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل ۱۳۶۳.
- ابوبکر محمد نرشی، تاریخ بخارا، به کوشش محمد مدرس رضوی، تهران، توس ۱۳۶۳.
- خواجه نصیر طوسی، اوصاف الاشراف، به کوشش سید نصرالله تقوی، برلین، مطبعة دولتی آلمان ۱۳۰۶.



- خواجه نصیر طوسی، «مقدمه قدیم اخلاق ناصری»، به کوشش جلال همایی، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال سوم، شماره سوم، تهران ۱۳۳۵.
- خواجه نصیر طوسی، اخلاق ناصری، به کوشش مجتبی مینوی و علی‌رضا حیدری، تهران، خوارزمی ۱۳۶۴.
- خواجه نصیر طوسی، مجموعه رسائل، به کوشش محمد مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۵.
- خواجه نصیر طوسی، فصول، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۵.
- خواجه نصیر طوسی، تصورات یا روضة التسلیم، به کوشش ویلادیمیر ایوانف، تهران، نشر جامی ۱۳۶۳.
- خواجه نصیر طوسی، تجرید الاعتقاد، با شرح علامه حلی، به کوشش ابراهیم موسوی زنجانی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات ۱۹۷۹.
- خواجه نصیر طوسی، اخلاق محتشمی، به کوشش محمد تقی دانش‌پژوه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۱.
- محمد شریف نظام‌الدین، انواریه، به کوشش حسین ضیایی، تهران، امیرکبیر ۱۳۵۸.
- نظام‌الدین شامی، ظفرنامه، به کوشش فیلکس تاور، بیروت، مطبعة آمریکایی ۱۹۳۷.
- خواجه نظام‌الملک طوسی، سیاستنامه، به کوشش هیوبرت دارک، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۴.
- سعید نفیسی، تاریخ خاندان طاهری، تهران، اقبال ۱۳۳۵.
- هندو شاه نخجوانی، تجارب السلف، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، تهران، طهوری ۱۳۵۷.
- ملا حسین واعظ کاشفی، اخلاق محسنی، بمبئی، مطبعة صفدری ۱۳۱۱ هـ.ق.
- وصاف الحضرة، تجزیة الامصار و ترجیة الامصار، بمبئی ۱۲۶۹ هـ.ق.
- ملا هادی سبزواری، اسرارالحکم، به کوشش سید ابراهیم میانجی و مقدمه ابوالحسن شعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامیة ۱۳۶۲.
- هندو شاه نخجوانی، تجارب السلف، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، تهران، طهوری ۱۳۵۷.
- یحیی بن عدی، تهذیب الاخلاق، به کوشش و ترجمه محمد دامادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۵.

## ۲. به زبان‌های اروپایی

- D.J. Allan, *Aristote le philosophe*, traduit de l'anglais par Ch. Lefevre, Louvain-Paris, 1962.
- Aristote, *Métaphysique*, introduction et notes par J. Tricot, Paris, Vrin 1986.
- Aristote, *Ethique à Eudme*, introduction et notes par Vianney Décarie, Paris, Vrin 1984.
- Aristote, *Ethique à Nicomaque*, introduction et notes par J. Tricot, Paris, Vrin 1958.
- Aristote, *Politique*, texte établi et traduit par Jean Aubonnet, Paris Belles-Lettres 1991.
- Aristote politique : Etudes sur la Politique d'Aristote*, sous la direction de Pierre Aubenque publiées par Alonso Tordesillas, Presses Universitaires de France Paris 1993.
- M. Arkoun, *Contribution à l'étude de l'humanisme arabe au IV-Xe siècle : Miskawayh, philosophe et historien*, Paris, Vrin 1970.
- M. Arkoun, *Pour une critique de la raison islamique*, Paris, Maisonneuve & Larose 1984.
- M. Arkoun, *Essais sur la pensée islamique*, Paris, Maisonneuve & Larose 1984.
- P. Aubenque, *Le problème de l'être chez Aristote : Essai sur la problématique aristotélicienne*, Paris, Presses Universitaires de France 1962.
- P. Aubenque, *La prudence chez Aristote*, Paris, Presses Universitaires de France 1976.
- R. Bodeüs, *Le philosophe et la cité : Recherches sur les rapports entre morale et politique dans la pensée d'Aristote*, Paris, Belles-Lettres 1982.

- Luc Brisson, *Platon, Les mots et les mythes*, Paris, François Maspero 1982.
- Carl Brockelmann, *Lexicon syriacum*, Leibzig 1928.
- The Cambridge History of Iran*, vol. 4 : «the period from the arab invasion to the Saljugs», edited, by R.-N. Frye, Cambridge University Press 1975.
- Janine Chanteur, *Platon, le désir et la cité*, Paris, Sirey 1980.
- J.-M. Charrue, *Plotin, lecteur de Platon*, Paris, Belles-Lettres 1987.
- Henry Corbin, *En inlam inanien, tome 2, Sohravardi et les Platoniciens de Perse*, Paris, Gallimard 1971.
- Henry Corbin, *L'Iran et la philosophie*, Paris, Fayard 1990.
- Henry Corbin, *Histoire de la philosophie islamique*, Paris, Gallimard 1986.
- Diogène Laërce, *Vies, doctrines et sentences des philosophes illustre*, traduction et notes par Robert Genaille, Paris, Flammarion 1965, 2 vols.
- I. During, *Aristote in the ancient biographical tradition*, Goteborg 1957.
- I. During, *Aristoteles, Darstellung und Interpretation seines Denkens*, Heidelberg 1966.
- Epicure et les épicuriens*, textes choisis par Jean Brun, Paris, Presses Universitaires de France 1961.
- Essays on the foundations of Aristotelians political science*, edited by Carnes Lord and David K. O'Conner, Berkeley-Los Angeles, University of California Press 1991.
- Fârâbî, *On the perfect state*, a revised text with an introduction, translation and commentary by Richard Walzer, Oxford, Clarendon Press 1985.
- Fârâbî, *Fusûl al-Madunî*, edited with an english translation by D. M. Dunlop, Cambridge University Press 1961.
- Moses I. Finley, *Politics in the ancient world*, Cambridge University Press 1983.
- Hermann Fränkel, *Dichtung und Philosophie des frühen Griechentums*, München, C.H. Beck 1976.
- Julien Freund, *La décadence*, Paris, Sirey 1984.

- Louis Gardet, *La cité musulmane: vie sociale et politique*, Paris, Vrin 1981.
- Hamilton A.R. Gibb, *Studies on the civilization of islam*, Princeton University Press 1962.
- Gherardo Gnoli, *The idea of Iran : an essay on its origin*, Roma, Is. M.E.O. 1989.
- Ignaz Goldziher, *Gesammelte Schriften*. Hilesheim, Georg Olms 1970.
- Dimitri Gutas, *Avicenna and the aristotelian tradition*, Leiden, E.J. Brill 1988.
- Hérodote, *Histoire*, texte établi et traduit par \*\*\*, Paris, Belles-Lettres 1989.
- J. Kraemer, *Humanism in the renaissance of islam : the cultural revival during the Büyid age*, Leiden, Brill 1986.
- J. Kraemer, *Philosophy in the renaissance of islam*, Leiden, Brill 1986.
- Ann K.S. Lambton, *State and government in medieval islam*, Oxford U.P. 1981.
- Henri Laoust, *La profession de foi d'Ibn Batta*, Damas, I.F.O., 1958.
- Levêque, P. Vidal-Naquet, *Clisthène l'Athénien*, Paris, Deucalion 1983.
- Maçoudi, *Les prairies d'or*, texte et traduction par Barbier de Meynard et Pavet de Courteille, Imprimerie nationale, Paris 1914.
- Muhsin Mahdi, *La fondation de la philosophie politique en islam : la cité vertueuse d'Alfarabi*, Paris, Flammarion 2000.
- Christian Meier, *Entstehung des Politischen bei den Griechen*, Frankfurt, Suhrkamp Verlag 1980.
- Christian Meier, *Introduction à l'anthropologie de l'antiquité classique*, Paris, Presses Universitaires de France 1984.
- Christian Meier, *De la tragédie grecque comme art politique*, Paris, Belles-Lettres 1991.
- V. Minorsky, «La domination des dailamites», *Iranica*, twenty articles, Publications of the University of Tehran 1964.
- Miskawayh, *Traité d'Éthique*, traduction française avec introduction et

- notes par M. Arkoun, Institut Français de Damas 1969.
- Paul Moraux. *A la recherche de l'Aristote perdu : Le dialogue «Sur la justice»*, Louvain, Publications Universitaires de Louvain 1957.
- J. Moreau, *Aristote et son école*, Paris, Presses Univeritaires de France 1985.
- Claude Mossé. *Politique et société en Grèce ancienne : Le modèle athénien*, Paris, Aubier 1995.
- Sh. Pin s, «Aristote's *Politics* in arabic philosophy», *Studies in arabic vessions of greek texts in mediaeval science*, Leiden, The Magnes Press-Brill 1986.
- Sh. Pin s, «un texte inconnu d'Aristote en version arabe», in op. cit.
- Platon, *La lettre VII*, texte établi et traduit par \*\*\* Paris, Belles-Lettres 1989.
- Platon, *Lexique*, par Edouard des Places, Paris, Belles-Lettres 1989.
- Platon, *République*, texte établi et traduit par Emile Chamry, Paris, Belles-Lettres 1989.
- Platon, *Lois*, texte établi et traduit par Edouard des Places, Paris, Belles-Lettres 1976.
- Platon, *Le politique*, texte établi et traduit par Auguste Di s, Paris, Belles-Lettres 1976.
- Platon, *Protagoras*, texte établi et traduit par Alfred Croiset, Paris, Belles-Lettres 1984.
- M. Plessner, *Der Oikonomikos der Neupythagoreers Bryson und sein Einfluss auf die islamische Wissenschaft*, Heidelberg, Carl Winter 1929.
- Plotin, *Ennéade*, texte établi et traduit par Emile Bréhier, Paris, Belles-Lettres 1976.
- Plutarque, *Thésée*, texte établi et traduit par \*\*\*\*, Paris, Belles-Lettres 1989.
- François de Polignac, *Naissance de la cité grecque*, Paris, La découverte 1984.

- The political aspects of Islamic philosophy : essays in honor of Muhsin Mahdi*, edited by Charles E. Butterworth, Cambridge Mas., Harvard University Press 1992.
- La «Politique» d'Aristote*, Entretiens sur l'antiquité classique, tome XI, Genève, Fondation Hardt 1965.
- Les Présocratiques*, édition établie par Jean-Paul Dumond, Paris, Gallimard 1988.
- G. Rodis-Lewis, *Épicure et son école*, Paris, Gallimard 1975.
- Jacqueline de Romilly, *Problèmes de la démocratie grecque*, Paris, Hermann 1975.
- Jacqueline de Romilly, *Histoire et raison chez Thucydide*, Paris, Belles-Lettres 1967.
- Jacqueline de Romilly, *La Grèce antique à la découverte de la liberté*, Paris, Fallois 1989.
- Jacqueline de Romilly, *Les grands sophistes dans l'Athènes de Périclès*, Paris, Fallois 1988.
- Jacqueline de Romilly, *La loi dans la pensée grecque*, Paris, Belles-Lettres 1972.
- Erwin I.J. Rosenthal, *Political thought in medieval islam*, Cambridge, Cambridge University Press 1962.
- Leo Strauss, *Persecution and the art of writing*, Illinois, The Free Press 1952.
- Leo Strauss, *The argument and the action of Plato's Laws*, The University of Chicago Press 1975.
- Leo Strauss, *Maimonide*, Paris, Presses Universitaires de France 1982.
- Thucydide, *La guerre du Péloponnèse*, texte établi et traduit par Jacqueline de Romilly, Paris, Belles-Lettres 1981.
- Thucydides, *History of Pelopponesian war*, with an English translation by Charles Foster Smith, Cambridge, Harvard University Press 1953.
- «Transition periods in iranian history»*, *Studia Iranica*, Cahier 5, Paris 1987.

Jean-Claude Vadet, «Une défense philosophique de la summa», *Revue des Etudes Islamiques*, XLII(2) 1974.

Jean-Pierre Vernant, *Les origines de la pensée grecque*, Paris, Presses Universitaires de France 1983.

Jean-Pierre Vernant, *Mythe et pensée chez les Grecs*, Paris, La découverte 1985.

Pierre Vidal-Naquet, *La démocratie grecque vue d'ailleurs*, Paris, Flammarion 1990.

Richard Walzer, «Some aspects of Miskawaih's, *Tahdhib al-Akhlâg*», *Greek into Arabics*, Bruno Cassirer, Oxford 1962.

Richard Walzer «Al-Farabi, a theory of prophecy and divination», *Greek into Arabic*, Oxford, Bruno Cassirer 1962.

## نمایه نامها

ابن طططقی، ۱۳۳، ۱۳۴	آتن، ۲۷، ۲۹، ۳۲-۳۴، ۴۸-۵۰، ۵۰
ابن مقفع، ۱۲۲	۵۲، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۷۷، ۹۰، ۹۱
ابن ندیم، ۱۲۲	۱۰۷، ۱۱۰، ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۶۶
ابوالحسن عنی بینقی، ۱۴۵	آذربایجان، ۱۳۰، ۱۴۰
ابوحنیفه، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۹۰، ۲۲۷، ۲۲۸	آگامنون، ۲۷
ابوریحان بیرونی، ۱۴۱	آلبارسلان، ۱۳۲، ۳۲۵
ابومسلم، ۱۲۳، ۱۲۵	آل برامکه، ۱۲۵
ایبکوز، ۱۱۲، ۱۱۳	آل بویه، ۱۱۹، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳
احمد بن ابی یعقوب، ۱۴۵	۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱
اردشیر بابکان، ۱۲۱	۱۴۶، ۱۴۷، ۱۸۷-۱۹۰، ۱۹۳
اروپا، ۱۷، ۲۲، ۲۳، ۶۸، ۱۵۲، ۱۷۷	۱۹۸، ۲۲۲
۲۱۳، ۲۳۳، ۲۳۶، ۳۳۹	آل سلجوق، ۱۴۲، ۱۴۳
۳۵۳-۳۵۶، ۳۵۸-۳۶۰، ۳۶۲	آمل، ۱۲۲
اسپارت، ۴۷	آندروونیکوس، ۲۳۹، ۲۴۰
ارسطو، ۳۵، ۴۱-۴۳، ۵۴، ۶۶، ۷۰، ۷۴	آیگئوس، ۴۳
۷۶، ۸۴، ۸۸-۱۱۳، ۱۵۱، ۱۵۵، ۱۵۹	ابروسن، ۲۴۲، ۳۰۰، ۳۰۱
۱۶۱-۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۸	ابن اثیر، ۱۳۵، ۱۳۶
۲۲۳-۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۶	ابن خلدون، ۷، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲
۲۳۸-۲۴۴، ۲۵۱، ۲۶۴-۲۶۲	۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۴۱، ۱۵۳
۲۶۸، ۲۶۹، ۲۹۰، ۲۹۱	۱۷۷، ۱۷۷، ۲۴۴، ۲۷۲، ۳۵۸، ۳۵۹
۳۰۰-۳۰۳، ۳۱۰، ۳۲۱، ۳۳۱	ابن رشد، ۱۵۲، ۲۳۵، ۳۳۷، ۳۳۹
۳۳۹، ۳۴۴	ابن سینا، ۲۲، ۱۴۴، ۱۵۲، ۱۹۴
اسکندر، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۵۱	۲۳۴، ۲۳۸، ۲۴۱
۱۵۴، ۳۰۹	۲۴۴، ۲۴۸، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۸
اشتراوس، ۱۵۳، ۲۴۳	۲۶۵، ۲۷۱، ۲۷۵-۲۷۸، ۲۸۰
افلاطون، ۳۵-۳۹، ۹۲، ۹۴، ۹۹-۱۰۲، ۱۰۱	۲۸۱، ۲۸۶، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۳۹
۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۵۲-۱۵۶	۳۴۲، ۳۴۴



برتلرس، ۱۳۵	۱۶۱-۱۵۹، ۱۶۷-۱۶۴، ۱۷۳
بردیای دروغین، ۳۶	۱۷۹-۱۷۶، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۴
برلین، ۱۲، ۷	۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۸
برمکیان، ۱۲۶	۲۲۸، ۲۲۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۶
بصره، ۱۹۱، ۲۵۳	۲۶۴، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۸۷، ۳۰۱
بطلمیوس، ۲۳۹	۳۴۲، ۳۵۹
بغداد، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۰	افنوطین، ۲۳۹
۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۶	انطایع‌الدع، ۱۲۸، ۱۳۱
۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۸۷	القادر، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵
۱۹۰، ۱۹۱، ۲۱۳، ۲۵۲، ۲۵۳	۱۳۷، ۱۹۱
۲۷۶	المنوکل، ۱۳۳، ۱۴۵، ۱۴۶
بنی‌امیه، ۱۲۵	المستکفی، ۱۳۱، ۱۳۳
بنی‌عباس، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۶	امویان، ۱۲۴، ۱۲۵
بوییان، ۱۱۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲-۱۳۴	انوشیروان، ۳۰۹، ۳۱۹
۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۳	اوتانس، ۳۶، ۳۸، ۴۱
۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۰-۱۹۲، ۱۹۴، ۲۱۳	ایراد، ۷۵، ۱۵۷، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۱۱۷-۱۳۰
بهاء‌الدوله، ۱۲۸، ۱۳۱	۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۷-۱۴۱
پاریس، ۱۲، ۷	۱۴۹-۱۴۶، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۷
پریکلس، ۴۵، ۴۶، ۴۷	۱۶۹، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۷، ۱۸۸
پلوتارخس، ۴۲	۱۹۱-۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۱
پولس رسون، ۱۱۳	۲۰۲، ۲۰۳، ۲۱۰-۲۱۴، ۲۱۷
پولوکراتئوس، ۳۵	۲۱۹، ۲۲۱-۲۲۳، ۲۳۱، ۲۳۵
پیستراتس، ۳۴، ۴۱	۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۱-۲۵۶، ۲۶۰
تازیان، ۱۱۷، ۱۱۹-۱۲۲، ۱۲۹	۲۶۷، ۲۷۲-۲۷۵، ۲۸۱، ۲۸۲
تبریز، ۱۵، ۱۴۷، ۲۷۶	۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۵-۲۹۸
تنوس، ۲۹، ۴۲، ۴۳	۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۳
توکودیدس، ۴۵، ۴۷، ۴۹	۳۱۴، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۱
تهران، ۸، ۱۵	۳۲۳-۳۲۹، ۳۴۳، ۳۵۱
تیمور گورکانی، ۳۲۷	۳۵۲-۳۵۸، ۳۶۰-۳۶۸
تیمور لنگ، ۲۷۲، ۳۲۳	بارتولد، ۱۲۸، ۱۴۱
ثابت بن قره، ۱۴۵	باطنیان، ۱۳۵، ۱۷۲

- جالینوس، ۲۲۴  
 عبدالرحمان جامی، ۱۴۷  
 جرجان، ۱۴۰، ۱۲۵  
 جرفادقانی، ۱۲۸، ۱۲۹  
 جلال‌الدین خوارزمشاه، ۳۲۵  
 جلال‌الدین رومی، ۲۷۶، ۳۲۷، ۳۶۳  
 جوزجان، ۱۲۵  
 چنگیزخان، ۳۲۳، ۳۲۵  
 حافظ، ۱۸۷  
 حافظ، ۲۱۲، ۲۹۲، ۳۲۰، ۳۳۱، ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 حیدرآملی، ۱۵۷، ۳۶۲  
 خراسان، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۲۱، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۹  
 ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۸۷، ۱۹۰  
 ۲۷۶، ۳۲۶، ۳۵۱  
 خلیفات، سبحان، ۲۲۲  
 خواجه نصیر طوسی، ۱۶۸، ۲۹۶  
 ۲۳۵، ۲۴۱، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳  
 ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۵۹  
 ۲۶۱، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸  
 ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴  
 ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱  
 ۲۸۶، ۲۹۵، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰  
 ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۸، ۳۱۴، ۳۱۵  
 ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۷  
 ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۵، ۳۴۶  
 ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷  
 خوارزم، ۱۲۲  
 خواجه میر، ۳۳۳، ۳۳۴  
 خیام، ۳۶۳  
 داریوش، ۳۹  
 دنیل، التون، ۱۲۳، ۱۲۴  
 دوانسی، ۱۸، ۲۴۲، ۲۵۲، ۲۹۵  
 ۲۹۷-۲۹۹، ۳۰۱-۳۱۹، ۳۲۱  
 ۳۲۲، ۳۳۰، ۳۳۲، ۳۶۶، ۳۶۷  
 دیلم، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۴۰  
 دیلمان، ۱۳۴  
 دینوری، ۱۴۴، ۱۴۵  
 دیوگنس، ۱۱۳، ۲۴۰  
 دیون، ۷۷، ۸۲-۸۷  
 رافضیان، ۱۳۵  
 راوندی، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴  
 رضا داوری، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۲  
 ۱۵۹-۱۶۳، ۲۸۱، ۲۹۵، ۳۰۰  
 زم، ۳۵۶  
 رودکی، ۱۴۹، ۳۶۳  
 ریچارد فرای، ۱۱۷، ۱۱۸  
 زرین‌کوب، عبدالحسین، ۱۱۹، ۱۲۰  
 ۱۴۰، ۱۴۹  
 ساسان، ۱۲۱  
 ساسانیان، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۴۱  
 سامانیان، ۱۱۸، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹  
 ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۱  
 ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۹۲  
 ساموس، ۳۵  
 ملا هادی سبزواری، ۱۷، ۳۲۳، ۳۴۲  
 ۳۴۷-۳۵۱  
 سعدی، ۲۷۵، ۲۹۵، ۳۶۳، ۳۶۷  
 سقراط جوان، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۵  
 سلجوقیان، ۱۱۷، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۶  
 سلطان محمود، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۴

- طلیطله، ۳۳۹  
 ابوالحسن عامری، ۱۷، ۱۸۷، ۱۸۹،  
 ۱۹۱، ۲۱۳، ۲۲۱-۲۳۴، ۲۳۷،  
 ۲۴۸، ۲۸۹  
 عباسیان، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵،  
 ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۴۱، ۱۵۳، ۱۵۲،  
 ۳۲۸  
 عراق، ۱۲۳، ۱۳۲، ۱۴۶، ۲۷۶  
 عطاء ملک جوینی، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶  
 علامه حلی، ۲۷۰  
 عنصر المعالی، ۱۴۹  
 عنصری، ۱۳۶  
 عیسی، ۱۸۹، ۳۲۰  
 غزالی، ۱۳۷، ۱۴۶، ۱۷۷، ۱۹۰، ۱۹۱،  
 ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷،  
 ۳۱۱، ۳۳۷  
 غزنویان، ۱۲۸، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷،  
 ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۶  
 غزنه، ۱۳۶، ۱۴۰  
 فارابی، ۱۷، ۱۸، ۲۲، ۵۳، ۵۴، ۶۰، ۶۱،  
 ۷۳، ۸۱، ۹۶، ۹۹، ۱۵۱-۱۵۸،  
 ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۴،  
 ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۱۸،  
 ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۸-۲۳۸، ۲۴۲،  
 ۲۴۳، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۶۷،  
 ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۷۸، ۲۸۱،  
 ۲۸۶-۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۸،  
 ۳۰۰، ۳۱۶، ۳۳۴، ۳۳۹، ۳۴۲،  
 ۳۴۴، ۳۴۸  
 فارسی، ۱۲۲، ۱۳۰، ۱۴۰، ۱۸۷، ۱۹۳  
 فاطمیان، ۱۴۶، ۱۵۳
- ۱۳۵، ۱۳۶  
 سلم بن احور، ۱۲۵  
 شلن، ۳۳، ۴۲، ۹۰  
 سنک، ۱۱۲  
 سوکنس، ۴۲  
 —هروردی، ۶۱، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۵۷،  
 ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۸۸  
 ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۶۶  
 سیراکوس، ۷۸، ۸۴، ۸۵، ۸۶  
 سیستان، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۴۰  
 سیسیل، ۷۷، ۸۷  
 شافعی، ۱۹۰، ۱۹۱  
 شاه اسماعیل، ۳۳۳  
 شاهرخ میرزا بهادر، ۳۲۷  
 شاه عباس دوم، ۳۴۶  
 شهرزوری، ۱۸۸، ۱۸۹  
 شیراز، ۱۸، ۵۳، ۱۷۶، ۲۳۴،  
 ۲۷۵-۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۴،  
 ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۹-۲۹۲، ۲۹۹،  
 ۳۰۳، ۳۲۰، ۳۲۳-۳۲۳  
 صدرالدین شیرازی، ۱۸، ۵۳، ۱۷۶،  
 ۲۳۴، ۳۳۳-۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، نیز  
 ر.ک. ملا صدرا  
 صفاریان، ۱۲۵، ۱۲۸  
 صفویان، ۱۳، ۲۷۵، ۲۹۹، ۳۲۲، ۳۳۳،  
 ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹  
 صلاح‌الدین ایوبی، ۱۴۶  
 صوفیان، ۱۴۷، ۱۷۳، ۲۰۱، ۲۱۷، ۲۸۱،  
 ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۱۴، ۳۲۹، ۳۴۰  
 طاهریان، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴  
 طبرستان، ۱۳۰، ۱۴۰

مجلسی، محمدباقر ۳۳۷	فخر رازی، ۳۱۷، ۳۱۸
محسن مهدی، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۷۵	فرخی سیستانی، ۱۳۶
محمد بن طاهر، ۱۲۶	فردوسی، ۱۴۱، ۱۴۹، ۱۵۳، ۳۲۰
مدرس رضوی، ۲۵۲، ۲۵۴	۳۶۱، ۳۶۲-۳۶۵، ۳۶۷
مدرسی زنجانی، ۲۵۲	فروریوس، ۲۳۹، ۲۴۱
مرو، ۱۲۲	فضل الله بن روزبهان، ۱۷۷، ۳۱۶
مسکویه، ۱۷، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۸	فیلیپ، ۱۱۰
۱۴۴، ۱۵۳، ۱۷۵، ۱۸۷، ۱۸۸	فینیقیان، ۲۵، ۳۰
۱۹۱-۲۱۹، ۲۲۱، ۲۳۵، ۲۳۸	قرمطیان، ۱۳۵
۲۴۸، ۲۵۱-۲۵۸، ۲۶۹، ۲۷۱	قهبستان، ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۹
۲۷۸، ۲۸۱، ۲۹۵، ۲۹۶	کاتب خوارزمی، ۲۳۶
۲۹۸-۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۰۸	واعظ کاشفی، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳
۳۱۳-۳۱۶، ۳۳۱، ۳۳۴، ۳۴۴	کربن، هاتری ۱۵۷
مسعودی، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۳۱	کرمان، ۱۳۱، ۱۴۰
۱۴۱، ۱۴۵، ۱۴۶	کرمر، جونل ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۴۷
معتزلیان، ۱۳۵	۱۸۹، ۲۱۳، ۲۲۲
معزالدوله، ۱۳۱، ۱۳۸	کمال الدین عبدالرزاق، ۳۲۷، ۳۲۸
مغولان، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۳۸، ۱۴۸، ۱۷۶	کمبوجیه، ۳۶
۲۰۱، ۲۵۲، ۲۵۳-۲۵۵، ۲۶۰	کندی، ۱۲۲
۲۶۱، ۲۶۷، ۲۷۲-۲۷۵، ۲۸۲	گیلان، ۱۴۰
۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۸، ۲۹۹	لائرتیوس، ۲۴۰
۳۰۲، ۳۱۴، ۳۲۱، ۳۲۳-۳۲۹	لاکدمونیا، ۴۲
۳۳۲-۳۳۵	عبدالرزاق لاهیجی، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶
مفریزی، ۱۴۶	۳۴۷
مکدرموت، ۱۳۵	لوکتوم، ۲۳۹
مگابیز، ۳۸، ۳۹	ماوراءالنهر، ۱۳۲
ملا صدرا، ۱۵۲، ۲۳۴، ۳۴۰؛ نیز ر.ک.	ماوردی، ۱۷۷، ۱۹۱، ۲۹۷، ۳۰۶، ۳۰۷
صدرالدین شیرازی	۳۱۱، ۳۱۹، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۲
ملکشاه سلجوقی، ۳۰۹	مایاندریوس، ۳۵
منصور بن طلحه، ۱۲۲	منز، آدام ۱۸۴، ۲۶۸
مینورسکی، ولادیمیر ۱۹۰، ۳۶۰	مجدالدوله، ۱۳۲

- مینوی، مجتبی، ۲۲۱  
 نخجوانی، ۱۳۳  
 نرشخی، ۱۲۷، ۱۲۸  
 نصر بن احمد، ۱۲۷  
 نظام‌الدین شامی، ۳۲۷  
 نظام‌الملک طوسی، ۷، ۱۳۲، ۱۴۶،  
 ۲۹۲، ۳۱۱، ۳۲۵  
 نفیسی، سعید، ۱۲۳  
 نیشابوری، ۱۲۶، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۸۹، ۱۹۱،  
 ۲۱۳، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۴،  
 ۲۴۸  
 والتسر، ریشارد، ۱۵۸، ۱۶۵، ۱۶۸،  
 ۱۹۷، ۲۲۲  
 وصاف‌الحضرة، ۲۵۳  
 هرودت، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۴۲، ۷۰،  
 مگل، ۳۶۶  
 هلاکو خان، ۲۵۳، ۲۵۹، ۳۳۲
- یحیی بن زید، ۱۲۴، ۱۲۵  
 یحیی بن عدی، ۱۹۹، ۲۰۴  
 یزدگرد، ۱۲۰  
 یعقوب لیث، ۱۲۵، ۱۲۶  
 یونان، ۸، ۹، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۸،  
 ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۴۲، ۴۵، ۴۷، ۶۹،  
 ۸۷، ۸۹، ۱۱۱، ۱۶۵، ۱۸۲، ۱۹۲،  
 ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۲۳، ۲۶۷،  
 ۲۹۱، ۲۹۸، ۳۰۲  
 یونانیان، ۲۱-۲۵، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۳-۳۶،  
 ۴۱، ۴۵، ۵۰، ۵۱، ۵۴، ۶۷، ۶۸،  
 ۷۰، ۷۳، ۸۴، ۸۸، ۹۲، ۱۱۰، ۱۷۹،  
 ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۲۲، ۲۲۳،  
 ۲۶۷-۲۶۹، ۲۷۸، ۲۹۵، ۲۹۸،  
 ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۳۰،  
 ۳۳۴

## نمایه مفاهیم

۱۵۸، ۱۶۰-۱۶۶، ۱۷۱، ۱۷۵	آگاهی «ملی»، ۳۵۲، ۳۵۴، ۳۵۸، ۳۵۹
۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۹۴	۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۷
۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۲۱	اتصال به عقل فعال، ۱۵۸، ۱۷۰، ۱۷۱
۲۲۲، ۲۳۰، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۷	اخلاق صوفیانه، ۱۸۷، ۲۹۹، ۳۱۴
۲۴۲-۲۴۴، ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۶۳	اخلاق مدنی، ۱۸۷، ۵۹۱، ۸۹۱
۲۷۲، ۲۷۳، ۲۸۱، ۲۸۵، ۲۹۰	۲۰۰-۲۱۲، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۵۱
۲۹۲، ۲۹۵، ۲۹۷-۳۰۲، ۳۱۱	۲۶۹، ۲۹۶، ۲۹۸، ۳۰۲، ۳۱۴
۳۱۵، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۲	۳۱۵
۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۲-۳۳۹، ۳۴۳	استصلاح، ۲۲۷، ۲۳۳، ۲۳۴
۳۴۴، ۳۴۶، ۳۵۱-۳۵۵، ۳۷۱	اسعاد، ۲۲۳
انقلاب، ۸۳، ۹۱، ۱۱۲	امامت، ۱۲۸، ۱۵۷-۱۶۰، ۱۶۵، ۱۸۲
باطن نبوت، ۱۵۷	۱۸۴، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۳۲
برابری، مفهوم، ۲۴، ۳۱-۳۷، ۴۱، ۸۰	۲۴۶، ۲۶۸-۲۷۰، ۲۸۷، ۳۱۷
۸۴، ۹۰، ۹۱، ۱۱۰، ۲۰۵-۲۰۸، ۲۳۲	۳۱۹، ۳۲۳، ۳۳۳، ۳۴۷-۳۵۱
بسط فلسفه در دوره اسلامی، ۵۳	انحطاط تاریخی، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۵
۱۱۱، ۱۵۹، ۱۷۹، ۱۸۳، ۲۹۸	۱۳۸، ۱۴۷، ۲۷۴، ۲۹۶، ۳۳۷، ۳۳۸
تاریخ نویسی، ۱۱۱، ۱۱۸، ۱۱۹، ۳۲۴	۳۵۲، ۳۵۵، ۳۵۷، ۳۶۳
۳۵۳-۳۵۹، ۳۶۷	اندرزنامه نویسی، ۱۹۹، ۲۱۰، ۲۹۹
تدبیر منزل، ۴۱، ۴۹، ۶۱، ۶۶، ۹۶، ۲۳۵، ۲۳۶	اندیشه ایرانشهری، ۱۱۷، ۱۳۷، ۱۴۲
۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۷، ۲۵۷	۱۴۸، ۱۸۴، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۸
۲۵۸، ۲۷۸، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۶	۲۰۷، ۲۰۸، ۲۲۳، ۲۳۱، ۲۳۲
۳۱۲	۳۰۲، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۷۱
تشیع فلسفی، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۵۵، ۱۵۶	اندیشه خردگرا، ۴۷، ۶۱، ۶۲، ۱۲۹، ۲۹۳، ۲۹۸
۱۶۰، ۱۹۰، ۱۹۴، ۱۹۸، ۲۹۶	۳۳۶-۳۳۹، ۳۶۱، ۳۶۷
«توحش»، ۲۰۳، ۲۱۸، ۲۹۵	اندیشه سیاسی، ۷-۱۵، ۲۱، ۲۴، ۲۶
حسن و قبح، ۲۷۹	۳۲-۳۵، ۴۲-۴۵، ۵۰، ۶۸، ۶۹، ۷۰
حکمت عملی، ۹۴، ۱۵۱، ۱۸۷	۸۵، ۸۸، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۸
۱۹۹-۲۰۱، ۲۳۴-۲۰۷، ۳۱۰-۳۱۶	۱۱۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۸-۱۵۷